

## بررسی عوامل تاریخی مؤثر در تأسیس مدارس ارامنه در کشور ایران

### دکتر مهوش لطفی

رئیس گروه ارزیابی بیرونی، وزارت علوم تحقیقات و فن آوری

---

### چکیده

تأسیس و اداره مدارس ارمنی از ابتدای اسکان ارمنیان تاکنون با جدیت و پشتکار ویژه ای از سوی مسئولین مذهبی ارامنه و روشنفکران و متمولین ارمنی همراه بوده است. ولی در پروسه زمان از آنجا که ارمنیان ایران به عنوان یک اقلیت مذهبی محسوب می شده اند، مراکز آموزش و مدارس ارامنه نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی کشور و شهرهای مناطق گوناگون قرار می گرفت و با رشد و افول متناوبی همراه بوده است. اینکه چه عواملی در تأسیس و اداره بهینه مدارس ارمنی در ایران کنش داشته اند در این مقاله سعی شده است تا با بررسی تاریخی عوامل و انگیزه های تأسیس مدارس ارامنه و ترکیب و سازماندهی آموزشی مفاد آموزشی این مدارس عوامل انسانی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مؤثر در ایجاد این مراکز آموزشی با یک دید علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مورد جمع بندی قرار بگیرند.

**واژگان کلیدی:** مدارس ارامنه، کشور ایران، تاریخ ارامنه ایران

## مقدمه

جامعه مسیحی ایران حدود ۱۲۵۰۰۰۰ ارمنی و ۳۲۰۰۰ آسوری و تعداد اندکی از کاتولیک ها را در بر می گیرد. اکثریت ارمنیان ایرانی در مناطق شهرنشین و خصوصا در تهران و اصفهان و اندکی نیز در آذربایجان و اراک و سایر شهر می زیسته اند. اکثریت جوامع آسوریان ایرانی در مناطق شهری و همچنین در دهکده های ناحیه دریاچه ارومیه سکنی داشته اند. (CULDIFX1) در سال ۱۹۰۶ بر اساس مصوبات قانون اساسی ایران، جوامع ارمنی و آسوری ایران به عنوان اقلیتهای مذهبی رسمی کشور پذیرفته شدند و بر اساس آمارهای موجود این جوامع از موقعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار بوده و از ابتدای سکونت در ایران تاکنون از مراکز آموزشی و مدارس ابتدایی متوسط قابل توجه ای استفاده می کرده اند. از لحاظ تاریخی، محل سکونت ارمنه در منطقه شمال غربی ایران و نواحی شرقی ترکیه کنونی اعلام شده است و تاریخ زندگی ارمنیان در این منطقه به قرن هفدهم میلادی بر می گردد. بر اساس دایره المعارف بریتانیکا، در قرن شانزدهم پادشاهی عثمانی بر جامعه ارمنه تسلط داشتند و فشارهای اجتماعی زیادی بر این جامعه برقرار نموده بودند. (ماگروسیان- ۲۰۰۶)

زمانی که شاه عباس در سال ۱۵۸۸ به تخت سلطنت نشست، او هم با ارمنیان همانند عثمانی ها رفتار می کرد ولی بنا به انگیزه های مختلف دست از آزار ارمنیان برداشت و آنها را به سوی خود جلب نمود و در ایران اسکان داد. بر اساس گزارش تاریخی کلر تهاجم تاملان در انتهای قرن چهاردهم و وقوع جنگ بین سلسله های پادشاهی ترکمن ها در قرن پانزدهم، تأثیرات مخربی را بر جامعه ارمنه بر جای نهاد (کلر- ۲۰۰۵) و در اواخر قرن پانزدهم با افول قدرت ترکمن ها، بایزید یازدهم (۱۵۱۲-۱۴۸۱) پادشاه عثمانی تصمیم گرفت از موقعیت استفاده نموده و قلمرو خود را به منطقه ارمنه و بخش شمال غربی ایران گسترش دهد. ولی در آغاز قرن شانزدهم، ایران تحت یک سلسله جدید، یعنی صفویان (۱۷۳۲-۱۵۰۱) ایران به صورت کشوری متحد انسجام دوباره یافت و ارمنه توانستند بار دیگر هویت ملی خود را با اسکان در مناطق مختلف ایران بازیابند (ماگروسیان- ۲۰۰۶). بر اساس دایره المعارف بریتانیکا بین سالهای ۱۶۰۴ تا ۱۶۰۵ میلادی حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار ارمنی به علت مظالم بیش از حد عثمانی ها از منطقه شمال غربی ایران نقل مکان نمودند و

هزاران تن در هنگام عبور از رود ارس جان باختند و سرانجام بیشتر آنها در آذربایجان کنونی ایران سکنی گزیدند. در همین زمان ارامنه ثروتمند در پایتخت سلسله صفویه یعنی اصفهان در منطقه جلفا ساکن شدند و در سال ۱۶۰۵ در کناره زاینده رود شهر جدید جلفا را بنا نهادند. در آن زمان ارامنه تحت حمایت شاه عباس توانستند کلیساهای خود را بنا نهادند که تا کنون سیزده کلیسای آن باقی مانده است. آنها همچنین، شهردار و کلانتر و دادگاه های خودشان را نیز در منطقه جلفا تعیین نمودند. جامعه ارمنی ایران از زمان سلطنت شاه عباس صفوی از حقوق اجتماعی گوناگون از جمله آموزش و پرورش ارمنی برخوردار شده بودند. علت اصلی توجه خاص شاه عباس به ارمنیان اصفهان، پتانسیل بالقوه ارمنیان و قابلیت های حرفه ای آنها در امور فنی و صنایع و کشاورزی و همچنین میراث های فرهنگی قابل توجه آنها بود. شاه عباس با این اندیشه که با استفاده از قابلیت های ارمنیان می تواند به اشاعه صنعت و کشاورزی در منطقه جلفا و اطراف بپردازد، توجه خاص خویش را به ارمنیان زمان خود معطوف نموده بود. از سوی دیگر بازرگانان ارمنی می توانستند با ایجاد روابط مستحکم با بازرگانان مسیحی اروپایی راه صادرات ابریشم و فرش ایرانی را به اروپا هموار نمایند. پس از استقرار ارمنیان در منطقه جلفا اصفهان، این منطقه به سرعت به عنوان یک مرکز فرهنگی مطرح شد و از همان زمان اولین مدرسه ارمنی برای فرزندان ارامنه توسط ارامنه منطقه تأمین گردید.

### **مبانی نظری**

ارمنیان از دیرباز توجه خاصی به تحصیل فرزندان خود داشتند. تا سده نوزدهم میلادی در کلیساهای و دیرها، روحانیان ارمنی، کلاس درس برای آموزش کودکان ارمنی دایر کرده بودند، از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی در شهرستان تهران، تبریز، جلفای اصفهان و سایر شهرها و روستاهای ارمنی نشین کلاس های درس دایر بود. در سال ۱۸۶۹ م / ۱۲۸۶ هـ ق سه جوان ارمنی به نام های میکایل مارکاریان (از ارمنیان استانبول)، شارل (گارابد) با زیرگیان (رئیس تلگراف خانه تهران) و هوسپ گارسپایان (دارای تحصیلات دانشگاهی از سوئیس) انجمنی به نام «انجمن دوستداران علم و دانش» تأسیس کردند. هدف از تشکیل انجمن احداث مدارس برای کودکان ارمنی بود. نخستین

مدرسه ارمنیان تهران به نام «هایگازیان» در ژانویه سال بعد در کلیسای گوورک مقدس، در بازارچه معیر (میدان وحدت اسلامی کنونی) افتتاح شد و کودکان ارمنی در این مدرسه به تحصیل مشغول شدند. در همان زمان میسیونرهای خارجی نیز مدارسی در محله ارمنیان دایر کردند، در این مدارس تحصیل برای دانش آموزان ارمنی رایگان بود و به هر دانش آموز کتاب، لوازم التحریر، و لباس می دادند. (۱) هدف میسیونرهای خارجی از این بذل و بخشش ها نفوذ در جامعه ارمنیان به منظور واداشتن آنها به تغییر مذهب بود. «انجمن دوستداران علم و دانش»، ناگزیر تحصیل در مدرسه هایگازیان را رایگان کرد و کتاب و لوازم التحریر را نیز رایگان در اختیار دانش آموزان گذاشت. چون اعضای انجمن دوستداران علم و دانش حق عضویت می پرداختند، از این رو هزینه مدرسه هایگازیان از حق عضویت اعضای انجمن، کمک های مالی ارمنیان، و وجهی که به فرمان ناصر الدین شاه به مدرسه می پرداختند، تأمین می شد. سبب کمک مالی شاه قاجار آن بود که در بازگشت ناصرالدین شاه از سفر کربلا، دانش آموزان مدرسه هایگازیان، مانند سایر اقشار مردم، در مسیر حرکت ناصرالدین شاه ایستاده بودند. هنگامی که کالسکه ناصرالدین شاه به مکانی که دانش آموزان مدرسه هایگازیان ایستاده بود رسید، دانش آموزان سرودی را که آموزگار موسیقی مدرسه به زبان فارسی به آنها آموخته بود دسته جمعی خواندند. از این سرود ناصر الدین شاه به وجد آمد و دستور داد، سالیانه دویست تومان به مدرسه هایگازیان بپردازند. انجمن بانوان ارمنی تهران در سال ۱۸۷۱ م ۱۲۸۸ هـ. ق در روستای ونک مدرسه ای برای دانش آموزان دختر این روستا دایر کرد. این مدرسه پس از یک سال تعطیل شد. ارمنیان تهران در ۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷ هـ ق برای احداث کلیسا در محله حسن آباد قطعه زمینی خریداری کردند (کلیسای مریم مقدس و دبیرستان کوشش مریم در خیابان میرزا کوچک خان کنونی) تا سال ۱۸۸۰ میلادی تحصیل در مدرسه هایگازیان رایگان بود، ولی پس از آن از دانش آموزان شهریه می گرفتند. دانش آموزان بی بضاعت از پرداخت شهریه معاف بودند.

در سال ۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ هـ ق انجمن دوستداران علم و دانش در خیابان آرامنه، نزدیک کارخانه بلورسازی، گذر محمد تقی کر، پاتوق نایب باقر، نزدیک میدان وحدت اسلامی کنونی، ساختمان به سبک مدارس اروپا بنا کردند. در سال ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ هـ ق در ضلع جنوبی قطعه زمینی که

برای ساختن کلیسا در محله حسن آباد خریدار بودند، مدرسه ای ساختند. این مدرسه شعبه مدرسه هایگازیان و تعداد دانش آموزان آن ۴۹ پسر و ۳۰ دختر بود. پس از مدتی این مدرسه، مدرسه مرکزی هایگازیان شد. میسیونرهای آمریکایی در سال ۱۸۷۶ م / ۱۲۹۳ هـ ق در محله لیل آباد مدرسه ی پسرانه دایر کردند. در سال ۱۹۰۹ م / ۱۳۲۷ هـ ق با تلاش اسقف اعظم گارابد، دبیرستان مرکزی ارمنیان تبریز ساخته شد. برنامه تحصیلی دبیرستان مرکزی ارمنیان تبریز، مطابق برنامه دبیرستان های شهر تفلیس بود. از این دبیرستان در مدتی کوتاه سیصد دانش آموز فارغ التحصیل شدند. در سال ۱۹۲۹ م / ۱۳۰۸ ش ارمنیان تبریز دارای شش دبستان، یک دبیرستان دخترانه، و یک دبیرستان پسرانه بودند، «انجمن خیریه ارمنیان تبریز» برای یاری به دانش آموزان نیازمند، و همچنین تأمین نیازهای مدارس ارمنیان تبریز تأسیس شد. این انجمن نه فقط در شهر تبریز بلکه در روستاهای ارمنی نشین آذربایجان به مدارس روستاییان کمک می کردند. انجمن خیریه ارمنیان تبریز، یک هنرستان برای دختران ارمنی تبریز دایر کرد. انجمن کتابخانه ارمنیان تبریز در محله قلعه کتابخانه ای داشت که دارای دو هزار جلد کتاب بود. در روستاهای ارمنی نشین آذربایجان، هفتاد مدرسه دایر بود و روستازادگان ارمنی در آنها تحصیل می کردند. از اوایل سده هفدهم میلادی در دیرها و کلیساهای ارمنیان جلفای اصفهان کلاس هایی برای تعلیم دانش آموزان جلفا در نظر گرفته شد. کلاس های درس در دیر آمانپریگیچ تشکیل شد. (۲) در سال ۱۸۳۱ م / ۱۲۴۷ هـ ق در کلیسای استپانوس مقدس کلاس های درس دیگری دایر شد. با تلاش اسقف اعظم گارابد جلفایی با کمک مالی گریگور سامیان یکی از بازرگانان جلفا، در دیر آمانپریگیچ، کالج آمانپریگیچ تأسیس شد. درس ها و برنامه تحصیلی این کالج، مانند کالج لازاریان مسکو بود. در این کالج تا سال ۱۸۵۳ م / ۱۲۶۹ هـ ق تدریس ادامه داشت، ولی در این سال گریگور سامیان ورشکسته شد. با قطع کمک مالی تجارتخانه سامیان، کالج آمانپریگیچ تعطیل شد. هاروتیون آباریان در سال ۱۸۴۳ م / ۱۲۵۹ هـ ق ساختمان سه طبقه ای در کنار کلیسای مریم مقدس بنا کرد. دانش آموزان بسیاری در این ساختمان که به مدرسه اختصاص داشت به تحصیل مشغول شدند. یکی از شرایط تحصیل در مدرسه مریم مقدس این بود که دانش آموزان حق نداشتند جمله ای بگویند که در آن «نه» وجود

داشته باشد. در سال ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۴ هـ ق در محوطه دیر کاتارینای مقدس (که مخصوص راهبه های تارک دنیا بود) با کمک مالی جمعی از بازرگانان ارمنی جلفای اصفهان، که در جاوه می زیستند، مدرسه ای برای دختران ارمنی جلفا ساخته شد. از اول اوت ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۴ هـ ق ۲۸ دانش آموز در این مدرسه مشغول تحصیل بودند، چون بر تعداد دانش آموزان افزوده می شد، و کلاس ها کافی نبود، خلیفه ماقاکیا درونیان، از ارمنیان مقیم هندوستان، جاوه و برمه تقاضا کرد برای ساختن کمک کنند. با کمک های مالی این ایرانیان ارمنی بود که در سال ۱۸۹۹ م / ۱۳۱۶ هـ ق، مدرسه ای دیگر ساخته شد. اسقف اعظم گریگوریس هوهانسیان، پیشوای مذهبی ارمنیان جلفای اصفهان و هندوستان، با توجه به وضع مدارس جلفا و پراکندگی آنها تصمیم گرفت مدرسه ای به سبک مدارس اروپا بنا کند، تا دانش آموزان پسر در یک مجتمع آموزشی تحصیل کنند، او در سال ۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷ هـ ق با کمک مالی ارمنیان جلفا، هندوستان و جاوه در محله چهارسو قطعه زمینی خرید، ساختمان سه طبقه ای بنا کرد، این بنای عظیم دارای تالاری وسیع برای اجرای برنامه های هنری بود، ساختمان آن در سال ۱۸۸۲ م / ۱۲۹۹ هـ ق، به اتمام رسید، و در روز دوازدهم دسامبر ۱۸۸۲ م / ۱۲۹۹ هـ ق طی مراسم باشکوهی افتتاح شد. در سال ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ هـ ق با کمک مالی خانواده «وارواره کانانیا» به یاد بود همسرش گوورک کانیان، که مدتی مدیر کالج لازاریان مسکو بود، در جوار دیر کاتارینا، مدرسه ای برای دختران دانش آموز جلفا بنا کردند، نقشه و شیشه ها و درها و ملزومات مورد نیاز مدرسه از مسکو آورده شد. روز ۱۱ ماه می ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ هـ ق عملیات ساختمانی آغاز شد، و در سال ۱۹۰۵ به پایان رسید، روز ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵ م / ۱۳۲۴ هـ ق ساختمان مدرسه افتتاح شد. گوورک کانانیا مدت ها مدیر کالج لازاریان مسکو بود، و به دانشجویان ایرانی، که در این کالج تحصیل می کردند، کمک می کرد. ناصر الدین شاه به پاس خدمات گوورک کانانیا، سه قطعه نشان شیر و خورشید به او اعطا کرده بود. مدرسه کانانیا اکنون دایر است و دانش آموزان دختر در مقطع راهنمایی و دبیرستان در آن تحصیل می کنند. با کمک مالی خانم وارواره کانانیا در ۱۹۰۱ م / ۱۳۸۱ هـ ق کودکستانی در جلفای اصفهان احداث و وسایل و ملزومات مورد نیاز کودکستان، به سفارش خانم کانانیا، از روسیه آورده شد. بنا به تقاضای هیئت مدیره مدرسه کانیا در سال ۱۳۱۰ ش خانم کانانیا از

روسیه به ایران آمد و در ایران ماند. در ۲۲ دسامبر ۱۳۵ م / ۱۳۱۴ ش از دنیا رفت. هیئت امنای مدارس ارمنیان جلفای اصفهان در سال ۱۹۰۵ م / ۱۳۲۳ هـ ق تصمیم گرفت برای آموزش حرفه به جوانان ارمنی، هنرستان صنعتی دایر کند. در ماه اکتبر آن سال هنرستان تأسیس شد و ۵ نفر هنر آموز در آن به تحصیل پرداختند. نخستین حرفه ای که در نظر گرفته شد، کفاشی بود. ابزار کار و وسایل مورد نیاز را از خارج آوردند و استادی ورزیده را به آموزش گماردند. پس از مدتی رشته آهنگری و خراطی نیز در هنرستان صنعتی دایر شد. مخارج هنرستان صنعتی را انجمن دوستداران کلیسا و مردم خیر می پرداختند. دانش آموزان مدارس جلفای اصفهان لباس متحد الشکل می پوشیدند. رنگ لباس پسران خاکستری، و رنگ لباس دختران دانش آموز دبیرستان قهوه ای بود. در تهران تا پیش از ۱۸۷۰ م / ۴۹-۱۲۴۸ هـ ش کودکان ارمنی را کشیشان در کلیساها درس می دادند. پس از گشایش کلیسای کوچک «تاتووس باردوقیموس» در محله دروازه شاه عبدالعظیم، کشیش کلیسا یک کلاس درس در آن دایر کرد. در این کلاس با استفاده از کتب دینی و کتاب مقدس به اطفال ارمنی خواندن و نوشتن می آموختند. پس از زمانی کوتاه کشیش کلیسای گوورگ مقدس، که در محله دروازه قزوین ساخته شده بود، کلاس درسی تشکیل داد و به آموزش کودکان ارمنی ساکن در محله ارمنیان پرداخت. در سال ۱۸۷۰ مدرسه هایگازیان را در کلیسای گوورگ مقدس در کوچه معیر الممالک افتتاح کرد، و کودکان ارمنی محله را برای تحصیل در مدرسه پذیرفت. میکائیل مارکاریان از ارمنیان استانبول و هوسپ گاسپاریان از ارمنیان دمشق بود. گاسپاریان برای تحصیل به استانبول رفت و پس از پایان دوره مدرسه به کشور سوئیس مسافرت کرد. وی بعد از پایان تحصیلات عالی از طریق بغداد به تهران آمد. گارابد (شارل) بازیگیان نیز رئیس تلگرافخانه تهران بود. بر طبق مواد شانزدگانه اساسنامه انجمن دوستداران علم و دانش، انجمن سه نوع عضو داشت. نخست، اعضای مؤسس انجمن که حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داشتند و سالیانه مبلغ یکصد قران حق عضویت می پرداختند. دوم، اعضای افتخاری انجمن که حق انتخاب کردن داشتند ولی نمی توانستند انتخاب شوند، و سالیانه پنجاه قران حق عضویت می پرداختند. سوم اعضای که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن نداشتند لیکن می توانستند در مجامع

عمومی انجمن دستداران علوم و دانش نظریات خود را ابراز کنند. آنان سالیانه مبلغ بیست قران حق عضویت می پرداختند. (۳)

در ابتدای گشایش این مدرسه، روحانیان قشری ارمنی با آن به مخالفت برخاستند؛ از این رو مدرسه برای مدتی کوتاه تعطیل شد. بعدها اعضای انجمن توانستند اجازه بازگشایی مدرسه را دوباره کسب کنند. انجمن مذکور از تأسیس مدرسه هایگازیان دو هدف عمده داشت؛ یکی آموزش کودکان و نوجوانان ارمنی و دیگری مبارزه با میسیونرهای آمریکایی، تحصیل برای دانش آموزان ارمنی رایگان بود و به دانش آموزان، کتاب، لوازم التحریر و لباس به رایگان می دادند. علاوه بر آن، به هر دانش آموز هفته ای دو قرآن پول تجیبی می پرداختند. هدف میسیونرهای آمریکایی از آموزش رایگان و چنین کمکها و بخششهایی تشویق کودکان و نوجوانان به تغییر مذهب بود. میسیونرها در شهر همدان توانسته بودند شماری از خانواده های ارمنی را به تغییر مذهب و گرویدن به فرقه پروتستان وادارند. در تهران، علاوه بر میسیونرهای آمریکایی، میسیونرهای کاتولیک نیز به قصد تبلیغ مذهبی درمیان دختران ارمنی، مدرسه ای برای دختران ارمنی دایر کرده بودند. (۴)

انجمن دستداران علم و دانش برای مقابله و مبارزه با میسیونرهای مختلفی که در تهران و میان جامعه ارمنیان فعالیت می کردند، تحصیل در مدرسه هایگازیان را رایگان اعلام کرد و کتاب و لوازم تحریر را نیز مجاناً در اختیار دانش آموزان آن مدرسه قرار می داد. هزینه مدرسه هایگازیان از حق عضویتی که اعضای انجمن می پرداختند و همچنین هدایای نقدی ارمنیان تأمین می شد. ناصرالدین شاه قاجار نیز دستور داده بود تا سالیانه مبلغ دویست تومان به مدرسه هایگازیان بپردازند. ماجرای کمک ناصرالدین شاه به مدرسه از این قرار بود که به هنگام بازگشت وی از سفر کربلا، دانش آموزان مدرسه مانند اقشار دیگر مردم در مسیر حرکت این شاه قاجار ایستاده بودند. هنگامی که موکب ناصرالدین شاه به جایگاه دانش آموزان مدرسه رسید، آنان دسته جمعی یکی از سرودهایی را که آموزگار موسیقی و سرودشان به آنها آموخته بود به زبان فارسی خواندند. ناصرالدین شاه پس از آگاهی از فعالیتهای مدرسه دستور پرداخت کمک نقدی سالانه را صادر کرد. این مبلغ سالیانی چند به مدرسه پرداخت می شد. سفیر دولت روسیه تزاری نیز به انجمن پیشنهاد



کرده بود که دولت متبوعش حاضر است سالیانه مبلغ پنجاه روبل طلا به مدرسه بپردازد به شرط آنکه در مدرسه زبان روسی تدریس گردد. هیئت مدیره انجمن این پیشنهاد را رد کرده بود. مدرسه هایگازیان در ابتدای گشایش (۱۸۷۰ م) کلاسهای درس را در یکی از اتاقهای کلیسای گورورک مقدس تشکیل داد. در سال بعد، به علت استقبال زیاد مردم از مدرسه، چند اتاق در حیاط کلیسا ساختند. در ۱۸۸۴ م/۶۳-۱۲۶۲ هـ ش یعنی چهارده سال پس از شروع کار مدرسه، انجمن در خیابان ارامنه - حوالی کارخانه بلورسازی، گذر محمد حسن کر، پاتوق نایب باقر - ساختمان نوبی به سبک مدارس اروپایی بنا کرد. ساختمان مدرسه، علاوه بر کلاسهای درس، دارای یک تالار با سن نمایش برای اجرای برنامه های تئاتر بود. (۵) همچنان که بر جمعیت ارمنیان تهران افزوده می شد، شمار دانش آموزان نیز افزایش می یافت و مدرسه گنجایش دانش آموزان جدید را نداشت. مقارن این زمان شمار بزرگی از خانواده های ارمنی در منطقه حسن آباد تهران سکونت گزیده بودند. خانواده های ارمنی ساکن حسن آباد ترکیبی از ارمنیان مهاجر محله دروازه قزوین، عثمانی، قفقاز و شهرهای دیگر ایران بودند. انجمن برای آموزش کودکان و جوانان ارمنی محله حسن آباد، شعبه ای از مدرسه هایگازیان را در خیابان علاء الدوله (خیابان فردوسی کنونی) دایر کرد. انجمن بانوان ارمنی تهران در ۱۸۷۱ م/۵۰-۱۲۴۹ هـ ش در روستای ونک یک باب مدرسه دخترانه برای تحصیل دختران ارمنی دایر کرد، اما این مدرسه پس از یک سال تعطیل شد. (۶)

در ۱۸۸۰ م/۵۹-۱۲۵۸ هـ ش ارمنیان قطعه زمینی برای احداث کلیسا در منطقه حسن آباد خریداری کردند (محل کنونی کلیسای مریم مقدس و دبیرستان دبستان کوشش در خیابان میرزا کوچک خان) اما تا ۱۸۹۰ م/۸۲-۱۲۸۱ هـ ش تصمیم گرفتند در این زمین مدرسه ای بسازند. برای این منظور در ضلع جنوبی زمین، تعدادی کلاس ساختند و اساس مدرسه ای را بنا نهادند این مدرسه به عنوان شعبه ای از مدرسه هایگازیان با شش آموزگار آغاز به فعالیت کرد. در آن تاریخ شاگردان این مدرسه ۷۹ تن (۴۹ پسر و ۳۰ دختر) بودند. (۷) با توجه به افزوده شدن جمعیت ارمنیان ساکن حسن آباد، رفته رفته بر تعداد کلاسهای درس مدرسه افزودند. پس از زمانی کوتاه این مدرسه تبدیل به مدرسه مرکزی هایگازیان شد و مدرسه سابق هایگازیان در دروازه قزوین به

صورت شعبه ای از آن در آمد. این مدرسه سرانجام در ۱۱۶ م/۹۵-۱۲۹۴ هـ ش به سبب نقل مکان بیشتر ارمنیان از محله دروازه قزوین تعطیل شد. مدرسه هایگازیان از ابتدای تأسیس به سبک مدارس کشورهای اروپایی اداره می شد. دانش آموزان بر روی نیمکت و پشت میز می نشستند. کلیه دروس نیز به زبان ارمنی تدریس می شد. انجمن دوستداران علم و دانش به مدت بیست سال مدرسه هایگازیان را اداره کرد. این انجمن سرانجام در ۱۸۰ م/۶۹-۱۲۶۸ هـ ش منحل و هیئت مدیره تازه ای برای اداره مدرسه انتخاب شد. تا سال ۱۹۰۵ م/۸۴-۱۲۸۳ کلاسهای درس پسران و دختران ارمنی در مدرسه هایگازیان از یکدیگر مجزا بود. در شروع سال تحصیلی ۱۹۰۶-۱۹۰۷ اولیای دانش آموزان تصمیم گرفتند کلاسهای درس مدرسه به صورت مختلط در آید. تا ۱۸۹۰ م/۶۹-۱۲۸۶ هـ ش تحصیل در مدرسه هایگازیان رایگان بود، ولی در آن سال هیئت مدیره جدید مدرسه گرفتن شهریه را از دانش آموزان تصویب کرد البته دانش آموزان بی بضاعت از پرداخت شهریه معاف بودند. مدرسه هایگازیان در ۱۸۸۰ م/۵۹-۱۲۵۸ هـ ش چهار کلاسه بود از آن پس، همچنان که مدرسه توسعه می یافت به کلاسهای آن نیز افزوده می شد تا سرانجام دارای نه کلاس شد فارغ التحصیلان مدرسه با گواهینامه کلاس نهم مدرسه را ترک می کردند. دختران ارمنی در خارج از محیط مدرسه و هنگام رفت و آمد به مدرسه ناگزیر بودند چادر به سر کنند. رنگ چادر آنان سفید بود. دختران پس از رسیدن به مدرسه چادر را از سر بر می داشتند. بعدها دانش آموزان دختر چادر را کنار گذاشتند و لباس متحد الشکل مدرسه را پوشیدند. دانش آموزان پسر نیز لباس متحد الشکل مردانه می پوشیدند. از ویژگیهای مدارس هایگازیان، ممنوعیت تنبیه بدنی در آنها بود. برخی از خانواده های ارمنی، فرزندان خود را پس از پایان دوره مدرسه در ایران برای ادامه تحصیل به کشورهای اروپایی، هندوستان و روسیه می فرستادند. مدرسه هایگازیان پیوسته با کمبود آموزگار علاقمند و کاردان مواجه بود معمولاً آموزگاران ارمنی مقیم قفقاز را برای تدریس در مدرسه دعوت می کرد و به تهران می آورد. سرانجام هیئت مدیره مدرسه برای تأمین اعضای هیئت آموزشی مورد نیاز خود، تصمیم گرفت چند تن از دانش آموزان مدرسه را که علاقه مند به کار تدریس بودند برای تحصیل در مؤسسات آموزش عالی، به کشورهای اروپایی بفرستد. هیئت مدیره پس از جلب موافقت مرکز فرهنگی مختاریان (یکی از مؤسسات فرهنگی و علمی ارمنیان در شهر

و نیز)، دو تن از دانش آموزان را به نامهای گارابد و ملکون وارتانیان و به ونیز فرستاد. (۸) آن دو تن در مدرسه عالی مرادیان به تحصیل پرداختند. هزینه تحصیل این دو دانش آموز را، که سالیانه معادل پانصد فرانک بود، مدرسه می پرداخت. در برابر این کار، اولیای دانش آموزان تعهد کردند فرزندانشان پس از پایان تحصیل به مدت سه سال در مدرسه هایگازیان به تدریس بپردازند. انجمن ارمنیان پاریس با کوشش اوانس خان ماسحیان، یکی از دانش آموزان مدرسه هایگازیان را برای تحصیل به پاریس اعزام کرد تا در **Ecole Normal** به تحصیل بپردازد. همچنین، هیئت مدیره مدرسه آلكسان فرندیان یکی دیگر از دانش آموزان خود را پس از پایان دوره مدرسه برای تحصیل در کالج لازاریان به مسکو اعزام داشت. این دانش آموز نیز تعهد سپرده بود که پس از بازگشت به ایران سه سال در مدرسه هایگازیان تدریس کند. در آغاز کار مدرسه هایگازیان، هیئت مدیره از تحصیل کردگان ارمنی برای تدریس در مدرسه دعوت کرد و با آنان قرارداد یکساله منعقد نمود. سال بعد نیز قرارداد را با آموزگاران که از شیوه تدریستان رضایت داشت یک سال دیگر تجدید کرد. به همین روش کار را ادامه دادند. نخستین مدیر مدرسه میکائیل مارکاریان بو و نخستین آموزگار مدرسه، هوسپ گارسپاریان نام بسیاری از آموزگاران و مدیران مدرسه هایگازیان در گزارشهای تاریخی و فرهنگی ثبت شده است. تا اوایل سال ۱۸۹۰ م / ۶۹-۱۲۶۸ هـ ش آموزگاران مدرسه از ارمنیان ایران و ترکیه عثمانی انتخاب می شدند. ولی بعداً آموزگاران از شهرهای مختلف قفقاز برای تدریس به مدرسه به تهران دعوت شدند.

اسامی آموزگاران مدرسه هایگازیان چنین ضبط شده است: هوسپ گاسپاریان نازار افندی گورویانس، آبراهام آودیسیان، آلكساندر گورویانس، گورگ ظهراپیان، آبراهام سرکیسیان، و یک معلم زبان فارسی که نام او در اسناد و مدارک دقیقاً مشخص نیست و فقط با نام میرزا از او یاد شده است. در ژانویه سال ۱۸۹۲ م / دی ماه ۱۲۷۰ هـ ش هوهانس خان ماسحیان برای اداره مدرسه هایگازیان برگزیده شد آموزگاران مدرسه در سال تحصیلی ۳-۱۸۹۲ م / ۷۲-۱۲۷۱ هـ ش عبارت بودند از: آقا و خانم ساراپیان، ملیک یقیازاریان، آدامیک، واقارشاک بژشکیان، آقا و خانم قازاریان، هوهانس خان ماسحیان ماسحیان زبانهای فارسی و فرانسه را نیز تدریس می کرد. نام اعضای هیئت

آموزشی مدرسه در طی سالهای دیگر به شرح زیر بوده است: برنامه درسی مدارس ارمنی موضوعات زبان ارمنی، دستور زبان ارمنی، جغرافیایی عمومی، جغرافیایی ارمنستان، تاریخ عمومی، تاریخ ارمنستان، زبان فرانسه زبان فارسی، ریاضیات و ورزش را در بر می گرفت. برای آموزش زبان فارسی از معلم فارسی زبان استفاده می شد. زمانی نیز هوهانس خان ماسحیان، آموزش زبان فارسی را بر عهده داشت تا پیش از تألیف کتابهای درسی، دانش آموزان از مطالب جزوه هایی که معلمان برای آنها می گفتند استفاده می کردند. پس از تهیه دستگاه چاپ در ۱۸۹۴ م / ۱۲۷۲-۷۳ هـ ش مواد درسی به تدریج تألیف و چاپ شد. به دانش آموزان مدارس ارمنی، نت، موسیقی و سرود هم آموخته می شد نیگول گالانداریان، موسیقی دان و آهنگساز شهیر ارمنی، در مدرسه هایگازیان مدتها آموزش دانش آموزان را بر عهده داشت او به دانش آموزان علاقه مندی که استعداد هنری داشتند موسیقی می آموخت. وی با همکاری دانش آموزان مدرسه یک گروه کر ترتیب داده بود که ظاهرا اولین گروه کر دانش آموزان در تهران بود. ورزش یکی از رشته های مورد علاقه هیئت مدیره جامعه ارمنیان تهران بود؛ از این رو از اوایل سال ۱۸۹۲ م / ۱۲۷۰ هـ ش ورزش به دیگر دروس دانش آموزان افزوده شد. در آن سال از وارتان الله وردیان، نجار معروف تهران، خواسته شد وسایل لازم ژیمناستیک را برای دانش آموزان مدرسه بسازد پس از آماده شدن و نصب وسایل ژیمناستیک، با راهنمایی معلم ورزش با دانش آموزان ژیمناستیک آموخته شد. این نوآوری مدرسه در امر ورزش به مورد توجه دانش آموزان و اولیای آنها قرار گرفت. امتحانات مدارس در ماه ژانویه / دی - بهمن و عموما با حضور دانش آموزان انجام می گرفت. در مدرسه هایگازیان گاهی نیز از بعضی از رجال و وزرای دربار قاجار سفرای کشورهای دیگر برای حضور در جلسه امتحانات دعوت می شدند. در ایام تعطیل مدارس، مربیان و آموزگاران گروهی از دانش آموزان مدارس ارمنیان تهران را انتخاب می کردند و با خود به راهپیمایی، کوهنوردی و گردشهای دسته جمعی می بردند. مربیان هنری نیز به کمک دانش آموزانی که تربیت کرده بودند گروههای کر تشکیل داده بودند و از آنان در برنامه ها و جشنهای مدرسه استفاده می کردند. این مربیان با همکاری دانش آموزان با استعداد و علاقه مند به هنر تئاتر، گروههای تئاتر تشکیل داده بودند و با کمک آنان نمایشنامه های مختلفی را به روی صحنه می آوردند. برخی از این دانش آموزان از

جمله آردوتریان، در سلک هنرمندان تئاتر ارمنی در آمدند و موجب اعتلای این هنر در میان ارمنیان گردیدند.

### **ارمنیان ایران**

روابط ایرانیان و ارمنیان از هزاره اول پیش از میلاد آغاز می شود. ایرانیان و ارمنیان در هزاره اول پیش از میلاد نخستین خاستگاه اقوام آریایی به حرکت در آمدند، ارمنیان چون به سرزمینی رسیدند که بعداً ارمنستان نامیده شد، در آن سرزمین ساکن شدند،... روابط ایرانیان و ارمنیان از هزاره اول پیش از میلاد آغاز می شود. ایرانیان و ارمنیان در هزاره اول پیش از میلاد نخستین خاستگاه اقوام آریایی به حرکت در آمدند، ارمنیان چون به سرزمینی رسیدند که بعداً ارمنستان نامیده شد، در آن سرزمین ساکن شدند، و ایرانیان به سوی جنوب به حرکت خود ادامه دادند و به ایران زمین رسیدند. در این کوچ بزرگ ایرانیان و ارمنیان مدت دو بیست سال در جوار یکدیگر زیستند، سرزمین ارمنستان ادامه فلات ایران زمین است، زبان ارمنی یکی از شاخه های مستقل زبان هند اروپایی است ولی با زبان فارسی پیوندی ناگسستگی دارد. تعداد کثیری از نامه های ارمنیان مانند آرشام (نام نیای داریوش هخامنشی) سورن، گارن، آرشاک، نام های هخامنشی و اشکانی است که ارمنیان با نهادن این نام ها بر فرزندان خود در حفظ و نگهداری آنها پایمردی کرده اند و هم اکنون نیز از این نام استفاده می کنند. تا پایان روزگار اشکانیان، ایزدان واحدی مورد پرستش ایرانیان و ارمنیان بود، هر دو دین واحدی داشتند. جشن های ایران باستان و ارمنستان باستان مشابه هم است و کوچکترین تفاوتی با یکدیگر ندارند. گاه شماری ارمنستان باستان همانند گاه شماری ایران باستان عبارت از دوازده ماه سی روز بود که پنج روز مانده (خمسه مسترقه) را ایرانیان به آخر ماه هشتم و ارمنیان به آخر ماه دوازدهم می افزودند. هر روز از روزهای ماه های ارمنیان همانند ایرانیان نام خاصی داشت، داستان ها و افسانه ها و باورهای ایرانیان و ارمنیان شباهت بسیار با یکدیگر دارند و از هم متأثر شده اند، هیچ قوم و ملتی به اندازه ارمنیان با ایرانیان نزدیک نمی باشند، در حقیقت ایرانیان و ارمنیان دو برادر هم نژاد و هم خون می باشند که از یک دیگر آگاهی چندانی ندارند. به نوشته موسی خورنی پدر تاریخ ارمنیان (سده پنجم میلادی) پادشاه ماد (واربکس)،

(هوخشتره) به بارویر ونیس قوم ارمنیان وعده تاج و تخت داد. و او را با خود متحد کرد، (بارویر) در فتح نینوا پایتخت آشور (۶۱۲ پ.م) پادشاه ماد را یاری داد پس از نابودی آشور به پاس این خدمت، پادشاه ماد (بارویر) را به پادشاهی ارمنستان برگزید. پس از پیروزی کوروش هخامنشی بر دولت ماد ارمنیان در ایران هخامنشی جایگاه ویژه ای یافتند. پس از پارس ها و مادها سومین جایگاه را ارمنیان داشتند. فرماندهی سپاه هخامنشیان به جز پارس ها و مادها به سایر اقوام تابع امپراتوری هخامنشی محول نمی گردید، ولی ارمنیان از این قاعده مستثنی بودند به استناد کتیبه بیستون (۴۸۰ پ.م). ارمنیان فرماندهی سپاهیان ایران را داشتند و در شورش ارمنستان «دادارشی» سردار ارمنی داریوش هخامنشی فرماندهی سپاهیان را به عهده داشت. در حمله اسکندر مقدونی به ایران زمین، جناحین راست و چپ سپاه ایران را سپاهیان ارمنی به فرماندهی سرداران ارمنی تشکیل می دادند. فرمانده جناح راست یرواند (داماد شاهنشاه هخامنشی) و فرمانده جناح چپ میترا اوستس بود. پس از پیروزی مقدونیان، یرواند در ارمنستان ادعای استقلال کرد و به سلطنت پرداخت، خاندان یرواندیان که بر ارمنستان فرمان می راندند، سیاست ضد سلوکی داشتند و تا حدودی توانستند استقلال ارمنستان را حفظ کنند. در سال ۱۸۹ پیش از میلاد «آرتاشس» اول که منسوب به خاندان یرواندیان بود بر تخت سلطنت ارمنستان جلوس کرد و ارمنستان را به عظمت و قدرت رساند. (تیگران) دوم (۹۵ - ۵۵ پیش از میلاد) نواده آرتاشس که در تاریخ ارمنیان به تیگران کبیر اشتهار دارد به توسعه سرزمین های متصرفی پرداخت و حدود ارمنستان را از شمال به اران، از شرق به دریای خزر، از جنوب تا نزدیک فلسطین و از غرب به دریای مدیترانه رساند. روابط ایرانیان و ارمنیان در روزگار اشکانیان بسیار صمیمانه تر و نزدیک تر شد. در دهه ششم سده اول میلادی بلاش اشکانی برادر خود، تیرداد را به سلطنت ارمنستان منصوب کرد، تیرداد بنیانگذار سلسله اشکانیان در ارمنستان شد و یک شاخه از سلاطین اشکانی نزدیک به چهار صد سال در ارمنستان سلطنت کردند، در سال ۴۲۸ م. سلسله اشکانیان در ارمنستان منقرض شد، امیران ارمنستان به اطاعت دولت ساسانی در آمدند. یزدگرد دوم در سال ۴۴۷ م. فرمانی صادر کرد که در ارمنستان سرشماری به عمل آید. پس از سرشماری مالیات سنگینی بر مناطق آباد و بایر وضع کرد سپس دستور داد ارمنیان پیرو دین زرتشت گردند. شورای امیران ارمنستان تشکیل شد و هم پیمان

شدند که تسلیم خواست یزدگرد ساسانی نشوند. ظهر روز ۲۴ ماه مه ۴۵۱ م. در دشت ماکو نبرد خونینی بین ارمنیان به فرماندهی وارتان مامیگریان با سپاهیان یزدگرد در گرفت، وارتان مامیگریان، سپهسالار ارمنیان همراه با یک هزار و سی و شش تن از سپاهیان و سرداران ارمنی در جنگ کشته شدند، شبانگاه که دو سپاه از یکدیگر جدا شدند، نیروهای ارمنی صحنه کارزار را ترک گفتند، سپاه ساسانی بدون اخذ نتیجه بازگشت، فیروز شاهنشاه ساسانی در ۴۶۰ م. مجدداً در صدد زرتشتی کردن ارمنیان برآمد. ارمنیان دوباره شورش کردند و سپاهیان فیروز را در نزدیکی روستای «آگور» به سختی شکست دادند، پافشاری پادشاهان ساسانی برای تغییر دین ارمنیان باعث گردید، که ارمنیان و ایرانیان که دو برادر هم نژاد و هم خون بودند از یکدیگر فاصله بگیرند. در سده اول میلادی را گروه زیادی از ارمنیان ساکن آذربایجان بودند، تاتووس مقدس یکی از حواریون حضرت مسیح که برای تعمید دادن ارمنیان به آن خطه رفته بود، پس از شهادت در جنوب ماکو به خاک سپرده شد. وجود تعداد بسیاری کلیساهای کهن ارمنیان در آذربایجان، مانند: کلیسای تاتووس مقدس (سده ششم) در ماکو، استبانوس مقدس (سده هشتم میلادی) در جلفا، کلیساهای سرکیس در خوی، هرپیسسه مقدس در موژومبار (سده دوازدهم میلادی) موید سکونت ارمنیان در بخش باختری ایران زمین است. در زمان مغولان، تعداد بسیاری از ارمنیان در سلطانیه و مراغه می زیستند، حمدالله مستوفی در نزهت القلوب، ماکو را شهری ارمنی نشین توصیف کرده که محل سکونت بزرگ کشیشان ارمنی بود. در سده شانزدهم میلادی حداقل ۵۰ سال پیش از آن که شاه عباس ارمنیان را به داخل فلات ایران کوچ دهد، گروهی از ارمنیان ساکن شیراز بودند و خانه و کلیسا و کشیش و بارانداز برای کالاهایشان داشتند. بازرگانان ارمنی از طریق بندر گمبرون با هندوستان داد و ستد می کردند و شهر شیراز یکی از پایگاه های مهم آنان بود. در ۱۹۰۲ ارمنیان ایران در سیزده شهر، ۱۲۱ روستا زندگی می کردند و دارای ۵۳ مدرسه بودند که برخی از آنها مختلط بود. ارمنیان در سراسر ایران زمین ۱۸۷ کلیسا، ۱۶۲ کشیش، ۷ دیر و دو پیشوای مذهبی یکی در تبریز و دیگری در جلفای اصفهان داشتند. زبان ارمنی \_ زبان ارمنی یکی از زبان های هندواروپایی است به سبب وجود تعداد بی شماری واژه های فارسی در زبان ارمنی پاره ای از

خاورشناسان، پس از مشاهده این واژه های همانند گمان کردند زبان ارمنی، مانند زبان اوستایی و پهلوی اشکانی یکی از شعبه های زبان ایرانی است. هوبشمان دانشمند آلمانی پس از تطبیق کلمات مترادف در زبان های فارسی و ارمنی اعلام داشت که زبان ارمنی یکی از شاخه های مستقل زبان هندواروپایی است و از رشته زبان ایرانی نمی باشد، ولی زبان های ارمنی و فارسی دارای خویشاوندی نزدیکی و بخشی از کلمات این دو زبان مشابه یکدیگرند. زبان ارمنی هنگام تکامل به سبب وجود شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خاص، ترکیب کلمات خود را تا اندازه ای از زبان فارسی گرفته است. از یازده هزار واژه زبان ارمنی یک هزار و چهارصد و یازده واژه آن از زبان فارسی است. آثاری که از زبان پهلوی اشکانی در دسترس مقاله گران است، اندک است. در نتیجه آگاهی از زبان پهلوی اشکانی به واژه هایی محدود می شود که در این آثار بکار رفته است. از این رو، برای یافتن واژه های بیشتر، زبان ارمنی می تواند مقاله گران را یاری دهد. زیرا زبان ارمنی گنجینه ای است سرشار از واژه های پهلوی. در زبان ارمنی واژه هایی وجود دارد که از زبان ایرانی وارد زبان ارمنی شده است ولی این کلمات اکنون در زبان فارسی کنونی دیده نمی شود

### **کلیساهای معروف ایران**

#### **کلیسای تاتووس مقدس**

در جنوب شهر ماکو در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی سیه چشمه و ۷ کیلومتری شمال راه سیه چشمه به قره ضیاءالدین کلیسای تاتووس واقع شده است. به سبب دفن تاتووس یکی از حواریون حضرت عیسی مسیح در این کلیسا، کلیسای تاتووس نزد ارمنیان بسیار مقدس و محترم است. کلیسای تاتووس در سده هفتم میلادی ساخته شده است. قسمت شرقی کلیسا که با سنگ سیاه ساخته شده بخش کهن کلیسا است. دولت قاجار خصوصاً عباس میرزا نایب السلطنه در نظر داشتند که محل مرجع تقلید ارمنیان جهان که در اجمیادزین (نزدیک ایروان) بود به کلیسای تاتووس منتقل و این مرکز را از زیر نفوذ روسیه تزاری و دولت عثمانی خارج سازند تصمیم گرفته



شد که با افزودن مجموعه بنایی به کلیسای کهن، کلیسای تاتووس را وسعت داده و آن را شبیه کلیسای اجمیادزین سازند.

کلیسای استپانوس مقدس

یکی از زیباترین و مشهورترین کلیساهای ارمنیان در جهان مسیحیت، کلیسای استپانوس مقدس با ویژگی های معماری و تزیینی بسیار است. این کلیسا در ۱۵ کیلومتری غرب جلفا و ۶ کیلومتری رود ارس واقع شده است. استپانوس مقدس یکی از هفت نفر نیک نامی است که مراسم تحلیف او به وسیله حواریون حضرت عیسی مسیح انجام گرفت و از مبلغان مسیحیت شد. کلیسای گودرک مقدس در پشت ارتفاعات کلیسای استپانوس قرار دارد و کلیسای چوپان که محل عبادت چوپانان روستاهای ارمنی نشین دره شام بود. اطراف کلیسای چوپان تعداد بسیاری سنگ قبر وجود دارد.

کلیسای مریم مقدس یا کلیسای دزور دزور

در ۱۲ کیلومتری جنوب ماکو نزدیک روستای بارون، در دهانه دره آگی یا دزور دزور با پیوستن سه نهر به یکدیگر سرچشمه روخانه زنگی مار را تشکیل می دهند. در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴م/ ۷۱۵ تا ۷۲۴هـ ن در این مکان کلیسا و دیر مریم مقدس به وسیله اسقف «بسداجی زاکاریا» ساخته شد.

معلمان معلمان سرشناس ارمنی در ایران

معلمان که خود جزو متفکران زمان خویش بوده اند نقش مهمی در زمینه ی تأسیس مدارس و تدریس و تدوین کتب به زبان ارمنی داشته و بخصوص در اواخر دهه ۳۰ میلادی یعنی زمانی که مدارس ارامنه به دستور رضا شاه تعطیل گشت و تحت عنوان قانون ممنوعیت استفاده از زبان خارجه، حتی از چاپ کتب و اجرای تئاتر به زبان ارمنی ممانعت به عمل آمد، نقش تعیین کننده ای در برپائی کلاس های غیر رسمی زبان ارمنی و استمرار زبان و فرهنگ ارمنی در جامعه ارامنه ی ایران ایفا نمودند و این خود به تنهایی دلیلی است کافی برای اختصاص دادن بخش مستقل به این خادمان فرهنگ.

در این خصوص لازم به توضیح است که اکثر نام های انتخاب شده در این بخش نسل قدیمی معلمان را در بر می گیرد که اغلب از تحصیل کردگان مدارس ممتاز تبریز و قفقاز و بعضاً دانشگاه

های معتبر اروپا در اوایل قرن بیستم بودند و بخش عمده ای از زندگی خویش را صرف تعلیم و تربیت نسلی از جوانان ارمنی نمودند که اکثر آنان جزو مشاهیری می باشند که در بخش های مختلف این رساله از آن ها یاد گردیده است.

در اینجا به صورت فهرست وار به ذکر اسامی معلمان سرشناس ارمنی می پردازیم.  
آمادونی آرزومانیان AMADOUNI ARZROUNIAN مدیر مدرسه کوشش - مریم . بانو نوارت  
استپانیان NVART STEPANIAN معلم.

نورایر السائیان NORAIR ELSAIAN - مدیر دبیرستان سوقومونیان  
بانو آستفیک بابائیان ASTGHIK BABAIAN مدیر دبیرستان طوماسیان - اولین مدیر دبیرستان  
مختلط آرامنه.

صایاد بابومیان SAYAD BABOUMIAN رییس گروه ارمنی دانشکده ی زبان و ادبیات خارجه ی  
دانشگاه آزاد اسلامی

بانو سونیا بالاسانیان SONIA BALASANIAN مدیر کودکستان و دبستان بوستان.  
آرام خوجایان ARAM KHOJAIAN معلم مدارس مشهد و تهران.  
رافائل خویلیان RAFAEL KHOILAIAN مدیر مدارس آبادان و تهران.  
بانو آقافیا داویدخانیان پطروسیان - موسس و مدیر دومین کودکستان ایران.  
بانو هرسلیا زرونیان HESLIA ZEROUNIAN موسس و مدیر کودکستان تومانیان یرواند زمانی  
YERVAND ZAMANI مدیر مدرسه ای ایران پیروز .

بانو هاماسیک ساچیان HAMASIK SACHIAN مدیر مدارس قزوین.  
بانو آرمینا ساگینیان ARMENIA SAGINIAN موسس و مدیر مدرسه ی ساندوخت

SANDOUKHT

بانو آراکس سرداریان ARAX SARDARIAN - معلم  
نورایر شاه نظریان NORAIYR SHAH HAZARIAN مدیر مدرسه تومانیان.  
بانو فرانگیان FRANGIAN معلم.

بانو نادیا ملکومیان NADIA MELKOMIAN معلم.

آلکساندر وارطانیان ALEKSANDR VARTANIAN مدیر مدرسه کوشش - مریم

سوقومون ملیک هاکوپیان SOGHOMON MELIK HAKOPIAN معلم.

میشا هایرپتیان MISH HAYAPETIAN معلم.

بانو اوفیک هوانسیان OFIK HOVANESIAN مدیر و معلم.

خاچاطوریگانیان KHACHATOUR YEGANIAN معلم

تیگران آبکاریان TIGRAN ABGARIAN

### مدارس ارمنیان تهران

ارمنیان تهران بیش تر در اطراف خیابان کریم خان زند سکونت دارند. در بیشتر رستوران ها کافه ها و گیم نت های این محله آوای لهجه ارمنی به گوش می رسد. کلیسای معروف شورای خلیفه گری ارامنه نیز در همین محله و در ابتدای خیابان استاد نجات اللهی (ویلاهی پیشین) قرار دارد.

### نام مدارس و پیشینه تاریخی

در ۱۸۶۹ م. / ۱۲۴۸ ش، ارمنیان تهران انجمنی به نام انجمن دوستداران علم و دانش تاسیس کردند، با تلاش آنان در ژانویه ۱۸۷۰ مدرسه هایگانریان در کلیسای گودرک مقدس در دروازه قزوین (میدان وحدت اسلامی کنونی) بازارچه معیر آغاز به کار کرد. همزمان میسیونرهای پروتستان آمریکایی در محله ارمنیان، مدرسه ای دایر کردند و برای جلب دانش آموزان ارمنی تحصیل در این مدرسه رایگان بود و به دانش آموزان کتاب، لوازم تحریر، لباس و کفش نیز می دادند و هفته ای دو قران پول توجیبی به هر دانش آموز پرداخت می شد. هدف آنان از این بذل و بخشش ها تغییر دین دادن اطفال ارمنی بود که به هیچ وجه موفقیتی کسب نکردند. در سال ۱۸۸۴ م. / ۱۳۶۳ ش ارمنیان در حوالی کارخانه بلورسازی، گذر محمدحسن کر، پاتوق نایب باقر، ساختمان جدیدی به سبک مدارس اروپایی بنا کردند ساختمان مدرسه افزون بر کلاس های درس دارای یک تالار نمایش برای اجرای برنامه های تئاتر بود. اکثر آموزگاران مدرسه هایگانریان تحصیل کرده های کشورهای اروپایی خصوصا سویس بودند و از نحوه تدریس آگاهی کامل داشتند. تا سال ۱۹۰۵ کلاس های درس پسران و دختران مجزا بود ولی از آغاز سال تحصیلی ۱۹۰۶، ۱۹۰۷ اولیای دانش آموزان تصمیم گرفتند کلاس ها مختلط شود. در سال ۱۳۱۵ رضاشاه

پس از ملاقات با آتاتورک دستور داد کلیه مدارس ارمنیان در سراسر ایران تعطیل شوند از سال ۱۳۲۲ مدارس ارمنیان بازگشایی شد. مدارس آذربایجان \_ ارمنیان تبریز در دو محله «قلعه» و «لیل آباد» ساکن بودند، در سال ۱۸۷۳ م. / ۱۲۵۲ ش. در محله لیل آباد مدرسه ای دایر کردند. برادران تومانیان در ۱۸۷۷ م. / ۱۲۵۶ ش. در محله لیل آباد، مدرسه ای پسرانه به نام «هایگازیان» بنا کردند. سپس در جوار مدرسه هایگازیان مدرسه ای دخترانه به نام «تاماریان» ساختند، مدارس مزبور، دارای کتابخانه و تالار نمایش بودند. در تبریز نیز میسیونرهای پروتستان و کاتولیک به دخالت در امر آموزش جوانان ارمنی پرداختند. در شهرها و روستاهای ارمنی نشین آذربایجان تعداد ۷۰ مدرسه دایر بود و نوباوگان ارمنی در این مدارس تحصیل می کردند هر کلاس حداکثر ۴۰ دانش آموز داشت. مدارس ارمنیان در جلفای اصفهان \_ از ابتدای سده هفدهم میلادی پس از استقرار ارمنیان در جلفای اصفهان همانند سایر مناطق ارمنی نشین کلاس های درس در کلیساها و دیرها دایر بود. در کلیسای استپانوس مقدس در ۱۸۳۱ م. / ۱۲۱۰ ش. مدرسه ای آغاز به کار کرد. در سال ۱۸۳۳ با یاری بازرگانی به نام «گریکور سامیان، کالج «آمنای پرگیچ» در محوطه دیر مزبور دایر گردید. برنامه تحصیلی و دروسی که در این کالج تدریس می شد، طبق برنامه و روش کالج لازاریان مسکو بود این کالج تا سال ۱۸۵۳ فعالیت داشت با ورشکسته شدن تجارتخانه سامیان، کالج نیز تعطیل شد. در ۱۸۴۳ م. / ۱۲۲۲ ش فرد نیکوکاری به نام آبکاریان مدرسه ای سه طبقه در جلفای اصفهان ساخت. اسقف اعظم گریگوریس هوهانسیان پیشوای مذهبی ارمنیان جلفا در ۱۸۸۰ م. / ۱۲۵۹ ش. مدرسه ای سه طبقه در محله چهارسو جلفا بنا کرد. با کمک مالی خانم «وار واره کانانیان» در جوار دیر کاتارینای مقدس در ۱۹۰۳ م. / ۱۲۸۲ ش. به یادبود همسرش «گوورک کانانیان» که مدت ها مدیر کالج لازاریان در شهر مسکو بود مدرسه ای ساخته شد. در ۱۹۰۵ م. / ۱۲۸۴ ش. هیات امنای مدارس ارمنیان جلفا تصمیم گرفت هنرستان صنعتی برای دانش آموزان ارمنی ایجاد کند. از ماه اکتبر سال مزبور هنرستان صنعتی آغاز به کار کرد. اولین حرفه ای که در هنرستان آموخته می شد، کفاشی بود، وسایل و ابزار کار را فراهم کرده و استاد کار استخدام کردند و رشته های آهنگری و خراطی نیز در هنرستان دایر شد. مدارس روستانشینان ارمنی \_ روستاییان ارمنی توجه خاصی به تحصیل فرزندان خود داشتند، و در روستاهای ارمنی نشین

آذربایجان، فریدن، چارمحال و بختیاری و سلطان آباد (اراک کنونی) مدارس دایر کرده بودند، آموزگاران مدارس آذربایجان از تبریز و سلمان و مدارس حوزه اصفهان از جلفای اصفهان اعزام می شدند حقوق سالیانه آموزگاران در یکصد سال پیش در حدود ۳۰۰ قران بود، بعضی از روستاها، کتابخانه نیز داشتند و روستاهای نزدیک به آنها از کتاب های کتابخانه استفاده می کردند.

#### فعالیت مدارس فرانسوی در ایران

در بین مدارس که توسط مسیونرهای خارجی در ایران تأسیس شد، فرانسویان جایگاه ویژه ای دارند. اینان نه تنها بیشترین مدارس مذهبی را در کشورمان ایجاد کردند، بلکه فعالیت چشمگیری در توسعه فرهنگ و جذب جوانان ایرانی از خود بروز دادند. عمده ترین مدارس فرانسوی در ایران عبارت بودند از : مدرسه سن لوئی، فرانکو پرسیان، سن ژوزف ، آلیانس بنی اسرائیلیت.

#### مدرسه سن لوئی

این مدرسه توسط مسیون لازاریستها که یکی از فرق مسیحیان کاتولیک بودند در سال ۱۸۶۲م (۱۲۷۸ق/۱۲۴۱ش) برای پسران تأسیس شد. هدف این مدرسه در ابتدا جذب ارمنیان ایران و تغییر آیین آنها به مذهب کاتولیک بود. در آغاز مدرسه دارای ۵ کلاس بود و دانش آموزان پس از گذراندن کلاسهای اول تا چهارم تصدیق نامه خود را از وزارت معارف دریافت می کردند ولی در پایان کلاس پنجم تصدیق نامه ابتدایی فرانسه به آنها داده می شد. پس از مشروطیت بنابه درخواست سفارت فرانسه و پیشنهاد وزارت معارف مبلغ ماهیانه صد تومان به این مدرسه اختصاص یافت. در مقابل مدرسه موظف بود شاگردانی را که وزارت معارف به آن مدرسه معرفی می کرد بپذیرد. شرایط پذیرش رایگان شاگردان برای مقطع متوسطه عبارت بود از نداشتن استطاعت مالی و دارا بودن تصدیق دوره ابتدایی. مدرسه موظف بود هر ماهه صورتی از ورقه تحصیلی شاگردان را به وزارت معارف ارسال کند. (۹) این مدرسه فعالیت خود را تا روی کار آمدن سلسله پهلوی ادامه داد و در اواخر دوره رضا شاه تعطیل شد.

#### مدرسه فرانکو پرسیان

این مدرسه در سال ۱۲۸۷ ش (۱۹۰۸ م) به وسیله مسیو یوسف خان ریشارد (مؤدب الملک) تأسیس شد. او در ابتدا این مدرسه را به صورت کلاس خصوصی در منزل خود تأسیس کرد ولی

با استقبال مردم چند سال بعد به یکی از اولین مدارس دخترانه عصر مشروطیت تبدیل شد. از سال ۱۲۹۵ ش عده ای از فارغ التحصیلان دختر این مدرسه برای معلمی تربیت می شدند و دیپلم خود را از وزارت معارف اخذ می نمودند. این مدرسه از سال ۱۳۱۳ ش تحت مدیریت مسیو هاز اداره می شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ ش به نام مدرسه رازی تغییر نام داد و توسط معلمین ایرانی اداره گشت.

### **مدرسه سن ژوزف**

این مدرسه در سال ۱۲۶۵ ش (۱۸۸۷م) توسط مسیون کاتولیک های فرانسوی در تهران فعالیت خود را آغاز کرد. محل مدرسه در خیابان آرامنه تهران قرار داشت و فقط مقطع ابتدایی را دارا بود. این مدرسه در ابتدا فقط دانش آموزان دختر را می پذیرفت ولی بعدها کلاسهای جداگانه ای برای پسرها تشکیل داد. در سال ۱۳۰۸ تعداد دانش آموزان مدرسه ۹۹ دختر و ۳۳ نفر پسر گزارش شده است. این مدرسه اعانه از وزارت معارف دریافت می کرد و موظف به اجرای پروگرام وزارت معارف بود و می بایست دروس مورد قبول وزارت علوم را تدریس نماید. این مدرسه بعدها به نام دبستان و دبیرستان منوچهری به رسمیت شناخته شد ولی از ۱۳۲۰ ش به بعد از فعالیت مؤسسات خارجی جلوگیری به عمل آمد و مدرسه تعطیل شد، ولی کلاسهای فرانسه برای اطفال خارجی همچنان دایر بود. در سال ۱۳۳۲ ش بخش فارسی آن نیز با نام دبستان و دبیرستان ژاندارک به مدیریت خانم بدرالملوک بازارگادی شروع به کار کرد.

### **مدرسه ژاندارک**

این مدرسه توسط دختران تارک دنیا برای تحصیل دختران ارمنی و اقلیتهای مذهبی تأسیس شد و به صورت دارالایتام اداره می شد. بعدها نام ژاندارک را برای خود برگزید و دارای دوره ابتدایی و متوسط بود. از عصر ناصری به بعد از دختران مسلمان نیز ثبت نام به عمل آورد و در آن، کلاس درس مسلمانها و آرامنه جداگانه بود. در کلاس درس آرامنه، فارسی تدریس نمی شد. از سال ۱۳۰۴ ش به بعد زبان فارسی را بنابه بخشنامه وزارت علوم به طور متفرقه در دروس خود گنجانند. مدارس آلیانس بنی اسرائیلیت

این مدرسه بر اساس گردآوری فرزندان یهودیان ایران در یک مرکز آموزش بنیان گذارده شد و نمایندگان آلیانس اسرائیلیت پس از ملاقات با ناصرالدین شاه در سفر او به فرنگ (۱۸۷۳ م/۱۲۹۰ ق) از او اجازه تأسیس مدرسه را کسب کردند. بنابراین در سال ۱۸۹۸ م/۱۳۱۵ ق این مدرسه توسط مسیو کازس که از بیروت فرستاده شده بود تأسیس گردید و اکثر قریب به اتفاق دانش آموزان آن به طور رایگان پذیرفته می شدند و لوازم و کتب تدریس فرانسه را از پاریس به تهران آورده برای تعلیم زبان یهودی دو نفر روحانی یهودی تعیین شدند. برای تدریس فارسی نیز چند نفر معلم مسلمان استخدام گشتند. مدرسه دارای ۶ معلم عبری و فارسی و ۴۲۱ نفر شاگرد بود. بعدها این مدرسه به تأسیس کلاسهای اکابر بزرگسالان و مدرسه دخترانه اقدام کرد و این مدرسه به واسطه کمکهای تجار کلیمی کرمانشاه و مقرری وزارت علوم به زودی شعبه هایی در همدان، اصفهان، توسیرکان، کرمانشاه، سنندج و شیراز افتتاح نمود. عموم این مدارس مختلط بودند. این مدارس پروگرام وزارت علوم را رعایت نمی کردند. با آغاز جنگ جهانی اول و برهم خوردن اوضاع مالی تجار یهودی در ایران، مدارس به حالت تعطیل درآمد و بعد از آن نیز به شکل قبل افتتاح شد. این مدرسه هم مانند دیگر مدارس خارجی در زمان پهلوی اول تعطیل و بعد از شهریور ۱۳۲۰ با نام مدارس ملی اتحاد گشوده شد.

#### **عوامل تاریخی مؤثر در تأسیس مدارس ارامنه در ایران**

مدارس ارامنه بر اساس تحولات روز دستخوش تغییراتی نیز شده بود برخی از این تحولات مربوط به وقایع سیاسی کشور و برخی دیگر مرتبط با وقایع اقتصادی و همکاری شهروندان و مقامات مذهبی ارمنی در شهرستانها بود. به عنوان مثال رضا شاه پس از ملاقات با آتاتورک، رئیس جمهور ترکیه، دستور داد تمامی مدارس ارمنیان را تعطیل کنند و از اجرای تئاتر به زبان ارمنی جلوگیری نمایند. از این رو مدارس ارمنیان در سال ۱۹۳۶ م / ۱۵-۱۳۱۴ هـ ش بسته شد. ولی در سال ۱۹۴۳ م/۲۲-۱۳۲۱ هـ ش دولت ایران مجدداً اجازه بازگشایی مدارس ارمنیان را صادر کرد و به تدریج کلاسهای درس در مدارس ارمنیان، در تهران، جلفای اصفهان، تبریز، ارومیه، سلماس، آبادان، اهواز، اراک، و روستاهای چهارمحال و بختیاری و فریدن، دایر شد. تحول مدارس ارمنیان

در منطقه جلفا کمتر از تهران نبود. از اوایل سده هفدهم میلادی، مدارس ارمنیان جلفای اصفهان همانند سایر مناطق ارمنی نشین، در محوطه کلیساها و دیرها دایر بود. نخستین مدرسه در جلفا، در دیر آنا پرگیچ گشایش یافت. در سده نوزدهم میلادی سه مدرسه در محوطه کلیسای استپانوس مقدس، دیر آنا پرگیچ مقدس، و کلیسای مریم مقدس، فعالیت آموزشی داشتند. مدرسه کلیسا استپانوس مقدس در سال ۱۸۳۱ م / ۱۲۱۰-۱۲۰۹ هـ ش آغاز به کار کرد. کالج آنا پرگیچ در سال ۱۸۳۳ م / ۱۲۱۱-۱۲۰۹ هـ ش با کمک مالی گریگور سامیان و تلاش اسقف اعظم گارابد جلفایی، در محوطه دیر آنا پرگیچ دایر شد. برنامه تحصیلی و دروسی که در آن کالج تدریس می شد طبق برنامه و دروس کالج لازاریان مسکو بود. حیات این کالج تا سال ۱۸۵۳ م / ۱۲۳۱-۱۲۳۲ هـ ش ادامه داشت. در این سال تجارتخانه سامیان ورشکسته شد و کمک مالی آن به کالج مذکور قطع گردید. مدرسه کلیسای مریم مقدس، در سال ۱۸۰۴ م / ۱۲۸۰-۱۲۸۱ هـ ش با همت هاروتیون آبکاریان شروع به فعالیت کرد. آبکاریان در سال ۱۸۴۳ م / ۱۲۲۱-۱۲۲۲ هـ ش با کمک مالی گریگور سامیان و تلاش اسقف اعظم گارابد جلفایی، در محوطه دیر آنا پرگیچ دایر شد. برنامه تحصیلی و دروسی که در آن کالج تدریس می شد طبق برنامه و دروس کالج لازاریان مسکو بود. حیات این کالج تا سال ۱۸۵۳ م / ۱۲۳۱-۱۲۳۲ هـ ش ادامه داشت. در این سال تجارتخانه سامیان ورشکسته شد و کمک مالی آن به کالج مذکور قطع گردید. مدرسه کلیسای مریم مقدس، در سال ۱۸۴۰ م / ۱۲۹۰-۱۲۹۱ هـ ش با همت هاروتیون آبکاریان شروع به فعالیت کرد. آبکاریان در سال ۱۸۴۳ م / ۱۲۲۱-۱۲۲۲ هـ ش ساختمانی سه طبقه برای مدرسه بنا کرد. یکی از شرایط تحصیل در این مدرسه به کار نبردن کلمه «نه» بود. دانش آموزان اجازه نداشتند بگویند: درس را یاد نگرفته ام، یا تکالیفم را انجام نداده ام. مدرسه دختران کارتابینای مقدس در سال ۱۸۵۸ م / ۱۲۳۶-۱۲۳۷ هـ ش در محوطه دیر کاتارینای مقدس، با کمک مالی ارمنیان جاوه آغاز به کار کرد. در اوت ۱۸۵۸ م / ۱۰ مرداد ۱۲۳۷ هـ ش با تلاش راهبه ارشد دیر، تعداد ۲۸ دانش آموز دختر در این مدرسه به تحصیل پرداختند. در مدتی کوتاه بر تعداد دانش آموزان این مدرسه افزوده شد. چون کلاسهای این مدرسه کفاف دانش آموزان را نمی داد، در سال ۱۸۶۰ م / ۱۲۳۸-۱۲۳۹ هـ ش با کمک مالی مانوک هورتانیان، در محوطه دیر کارتابینای مقدس تعدادی کلاس درس دیگر ساخته شد. خلیفه ما قاقیا درونیان با



کمک مالی ارمنیان جلفا، هندوستان و جاوه، در سال ۱۸۹۹ م/ ۱۲۷۷/۷۸ هـ ش مدرسه ای برای دانش آموزان دختر احداث کرد. در رابطه با همکاری مقامات مذهبی میتوان از اسقف اعظم گریگوریس هوهانسیان، پیشوای مذهبی ارمنیان جلفا نام برد. وی با توجه به وضع مدارس پسرانه جلفا در صدد بر آمد مدرسه ای همانند مدارس اروپا در جلفا دایر کند و کلیه دانش آموزان در یک ساختمان آموزشی متمرکز شوند. او در سال ۱۸۸۰ م/ ۱۲۵۸-۵۹ هـ ش از ارمنیان جلفا اعانه جمع آوری کرد و در محله چارسو زمینی خریداری نمود و با کمک مالی ارمنیان جلفا، هندوستان و جاوه ساختمانی سه طبقه بنا کرد در مرکز بنا تالاری صلیبی شکل ساختند و در ضلع شرقی آن صحنه تئاتر بنا کردند. از آن پس تمامی برنامه های هنری و اجتماعی ارمنیان در این تالار برگزار می شد. برفراز مرکز تالار گنبدی عظیم ساختند و بر تارک آن صلیبی نصب کردند. ساختمان مدرسه در ۱۸۸۲ م/ ۱۲۶۱ هـ ش به اتمام رسید و در روز ۱۲ دسامبر ۲۲ آذر همان سال طی مراسمی افتتاح شد. دانش آموزان مدارس پسرانه ای که در کلیساها دایر بود در این مدرسه نو بنیاد به تحصیل پرداختند. اتمام ساختمان «مدرسه مرکزی ارمنیان جلفا» ده سال به طول انجامید. در سال ۱۹۰۳ م/ ۱۲۸۲ هـ ش خانم وارواره کانانیان، در جوار دیر کاتارینای مقدس، مدرسه کانانیان را به یاد بود همسرش، گوورگ کانانیان، که قبلا مدیر کالج لازاریان مسکو بود، بنا نهاد. نقشه مدرسه، شیشه های درها و سایر ملزومات آن از مسکو فرستاده شد. ساختن مدرسه در ۱۱ می ۱۹۰۳ م/ ۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۲ هـ ش آغاز گردید و در سال ۱۹۰۵ م/ ۱۲۸۴ هـ ش به اتمام رسید و در ۲۵ سپتامبر ۴ مهر همان سال طی مراسم افتتاح شد. هزینه احداث ساختمان مدرسه مبلغ هفت هزار روبل شد. خانم وارواره کانانیان علاوه بر پرداخت هزینه ساخت مدرسه، مبلغ چهل هزار روبل (معادل ۲۵ هزار تومان) دیگر در اختیار هئیت امنای مدرسه قرارداد تا بهره آن مخارج مدرسه را تأمین کنند. گوورگ کانانیان در مدت زمانی که مدیر کالج لازاریان مسکو بود به دانشجویان ایرانی که در کالج مزبور تحصیل می کردند بی اندازه مساعدت می کرد. به این سبب ناصر الدین شاه قاجار طی سالهای مختلف، به او نشانهای شیر و خورشید، درجه سوم، درجه دوم، درجه اول با حمایل اهدا کرد. مدرسه کانانیان اینک مدرسه راهنمایی تحصیلی و دبیرستان دخترانه جلفای

اصفهان است. خانم وارواره کانانیان در سال ۱۹۰۱ م / ۱۲۸۰ هـ ش برای احداث کودکستانی در جلفای اصفهانی مبلغی پول در اختیار خلیفه گری جلفا قرار داد. به کوشش خلیفه گری، کودکستانی ساخته شد. اسباب بازیها و سایر وسایل مورد نیاز کودکستان از روسیه آورده شد. در سال ۱۹۳۱ م / ۱۳۱۰-۱۳۰۹ هـ ش هیئت امنای مدرسه مزبور خانم کانانیان را از روسیه به اصفهان آورد و تا هنگام مرگ او در ۲۲ دسامبر ۱۹۳۵ م / دی ۱۳۱۴ هـ ش از وی نگهداری و پرستاری کردند. در سال ۱۹۰۵ م / ۸۴-۱۲۸۳ هـ ش، هیئت امنای مدارس ارمنیان جلفا تصمیم گرفتند هنرستانی برای جوانان ارمنی جلفا ایجاد کنند. (۱۰) در ماه اکتبر همان سال هنرستان دایر شد و تعداد ۵ دانش آموز داوطلب تحصیل در آن شدند. اولین حرفه ای که در هنرستان می آموختند کفاشی بود. وسایل و ابزار مورد نیاز را از خارج آوردند و استاد کاری را نیز استخدام کردند. آهنگری و خراطی نیز در هنرستان آموخته می شد. مخارج هنرستان را انجمن دوستداران کلیسا و مردم خیر تأمین می کردند. در سال ۱۹۰۸ م / ۸۷-۱۲۸۶ هـ ش دکتر میناس آقانور معاون کنسول بریتانیا در جلفا، به یاد بود خواهر مرحومه اش خانم لوئیزا س داوید خانیان، ساختمان دو طبقه ای در محوطه مدرسه مرکزی ارمنیان جلفا ساخت. این ساختمان تا سال ۱۹۶۳ م / ۴۲-۱۳۴۱ هـ ش دایر بود، هنگام تعریف خیابان، ساختمان مزبور تخریب شد. در این ساختمان مرکز فروش لوازم تحریر، کتابخانه و هنرستان صنعتی دایر بود. دانش آموزان مدارس جلفای اصفهان لباس متحد الشكل به تن می کردند. رنگ لباس پسران خاکستری و رنگ لباس دختران دبیرستانی قهوه ای بود. اطفال کودکستانی نیز روپوش می پوشیدند. تعداد دانش آموزان مدارس جلفای اصفهان در سال ۱۸۶۰ م / ۱۲۳۹ هـ ش در حدود ۲۵۵ نفر بود. در اول اوت ۱۸۹۹ م / ۱۰ مرداد ۱۲۷۸ هـ ش دانش آموزان مدرسه مرکزی ارمنیان جلفا ۱۸۷ نفر بود. در سال تحصیلی ۱۹۰۰-۱۸۹۹ / ۷۹-۱۲۷۸ هـ ش تعداد دانش آموزان مدارس ارمنیان ۴۰۲ نفر و به این شرح بود: مدرسه مرکزی ۱۱۱ نفر، مدرسه کاتارینای مقدس ۱۳۲ نفر کلاس تهیه و کودکستان ۱۵۹ نفر. در سال تحصیلی ۱۲-۱۹۱۱ / ۷۹-۱۲۷۸ هـ ش بر تعداد دانش آموزان افزوده شد و تعداد آنها به ۵۲۰ نفر رسید. آمار دانش آموزان در این سال تحصیلی به شرح زیر بود:

کودکستان : پسر ۶۵ نفر، دختر ۵۵ نفر ، جمع ۱۲۰ نفر ؛ مدرسه کانانیان : پسر ۱۴۴ نفر، دختر ۱۴۰ نفر، جمع ۲۸۴ نفر ؛

مدرسه کارتایناى مقدس : دختر ۵۹ نفر مدرسه مرکزی : پسر ۵۷ نفر در سال تحصیلی ۱۵-۱۹۱۴ م / ۹۴-۱۲۹۳ هـ ش تعداد ۵۶ نفر بر دانش آموزان جلفا افزوده شد و شمار محصلان به ۵۷۸ نفر به شرح زیر رسید: مدرسه کانانیان ۳۳۶ نفر، مدرسه مرکزی ۳۶ نفر، مدرسه کاتارینای مقدس نفر، کودکستان ۱۴۸ نفر هم اکنون ارمنیان جلفا دارای دو دبستان، دو مدرسه راهنمایی تحصیلی دبیرستان هستند. مدارس ارمنیان جلفای اصفهان عبارت اند از : دبستان پسران آرمن ، دبستان دخترانه آرمن، راهنمایی تحصیلی و دبیرستان پسرانه کاتارینای راهنمایی تحصیلی و دبیرستان دختران کانانیان ارمنیان تبریز در دو محله به نامهای قلعه و لیل آباد ساکن بودند. در سال ۱۸۷۳ م / ۴۲-۱۲۴۱ هـ ش در محله لیل آباد مدرسه ای دایر بود و دانش آموزان ارمنی در مدرسه تحصیل می کردند. برادران تومانیان در جوار مدرسه مزبور، مدرسه دیگری به نام تاماریان برای دانش آموزان دختر بنا کردند. در این مدرسه یکصد دانش آموز تحصیل می کردند و سیزده معلم زن و مرد، دانش آموزان را تعلیم می دادند. مدارس مزبور دارای کتابخانه، تالار نمایش و کودکستان بودند. این مدارس در دو سوی کلیسا ساخته شده بودند و حیاطی کوچک داشتند. شورای اجتماعی ارمنیان تبریز چند خانه رادر جوار کلیسا خرید و محوطه آنها رابه حیاط مدرسه افزود. نهایتاً در سال ۱۹۲۹ م / ۸-۱۳۰۷ هـ ش ارمنیان تبریز دارای شش دبستان، یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه بود. برای یاری به دانش آموزان نیازمند و مدارس ارمنیان تبریز، در سال ۱۸۹۵ م / ۷۴-۱۲۷۳ هـ ش انجمن خیریه ارمنیان تبریز تأسیس شد. در ۱۸۹۸ م / ۷۷-۱۲۷۶ هـ ش انجمن خیریه بانوان تبریز آغاز به فعالیت کرد. در ۱۹۰۱ م / ۸۸-۱۲۸۷ هـ ش این دوانجمن در هم ادغام شدند و انجمن خیریه زنان ارمنی تبریز را به وجود آوردند. انجمن خیریه نه فقط در شهر تبریز بلکه در روستاها نیز به مدارس ارمنیان یاری می کرد. یکی دیگر از انجمنهایی که در جوار مدارس فعالیت می کرد انجمن کتابخانه بود که در محله قلعه فعالیت می کرد و دارای کتابخانه ای بود که در سال ۱۹۰۱ م / ۸۸-۱۲۸۷ هـ ش تعداد ۲۰۰۰ جلد کتاب و تعداد بسیاری

مجلات و نشریات از کشورهای مختلف داشت در مرحله لیل آباد نیز کتابخانه ای عمومی دایر بود. ارمنیان تبریز اکنون مدرسه ای به نام اسدی دارند که شامل دبستان، در راهنمایی تحصیلی و دبیرستان است. روستاییان ارمنی نیز توجه خاصی به تحصیل فرزندان خود داشتند و در روستاها ارمنی نشین در آذربایجان، فریدن، اراک و چهار محال و بختیاری مدارس دایر کرده بودند و آموزگاران که به روستاها دعوت شده بودند به فرزندان آنان آموزش می دادند. روستاییان چهار محال و بختیاری در روستاها مدرسه ساختند و به آموزش فرزندان خود پرداختند. در مراحل اولیه، کشیش روستا روستازادگان می داد، ولی بعداً آموزگاران برای تدریس به روستاها فرستاده شدند آموزگاران مدارس چهار محال و بختیاری از جلفای اصفهان اعزام می شدند اکنون مدارس روستاها چهار کلاس درس داشتند و کلاسها بیش از شش ماه در سال دایر بودند. حقوق سالیانه آموزگاران در سال ۱۹۰۰ م ۷۹-۱۲۷۸ هـ ش در حدود ۳۰۰ قران بود. بیشتر حقوق آموزگاران را شورای اجتماعی ارمنیان جلفای اصفهان می پرداخت محل اقامت و سوخت زمستانی آموزگاران را روستائیان تأمین می کردند. چنانچه در روستایی مدرسه ای می ساختند روستاهای پیرامون آن روستا در صورت نداشتن مدرسه، فرزندان خود را برای تحصیل به روستای مزبور می فرستادند. در برخی از روستاهای ارمنی نشین چهار محال و بختیاری، مانند ماموکا و کنارگ، در جوار مدرسه سالن تئاتر نیز ساخته بودند و هر از گاهی نمایشنامه ای در این سالنها اجرا می شد. روستای ماموکا دارای کتابخانه ای نیز بود و دانش آموزان و روستاییان از کتابهای آنها استفاده می کردند. روستای ماموکا از پر جمعیت ترین روستاهای ارمنی نشین چهار محال و بختیاری بود. برخی اوقات تعداد دانش آموزان مدرسه شش کلاسه مختلط ماموکا به ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر می رسید. مدارس روستاهای ارمنی نشینی چهار محال و بختیاری به ترتیب سال ساختن آنها و اولین آموزگاران که در این مدارس تدریس کرده اند عبارتند از :

روستای ماموکا (۱۸۷۲ م / ۵۱-۱۲۵۰ هـ ش)؛ آندره آس سرکیسیان و اوهان توروسیان؛

روستای حاجی آباد (۱۹۰۰ م / ۷۹-۱۲۷۸ هـ ش)؛ هوهانس در سرکیسیان؛

روستای لیواسان (۱۹۰۲ م / ۸۱-۱۲۸۰ هـ ش)؛ مگردیچ ظهراپیان؛

روستای سیناکان (۱۹۰۳ م / ۸۲-۱۲۸۱ هـ ش)؛ میناس وارتانیان؛

روستای کنارک بالا (۱۹۰۴ م/ ۸۳-۱۲۸۲ هـ ش)؛ در آسداوازدوریان، ازهمدان

روستای ماموران (۱۹۰۶ ن/ ۸۵-۱۲۸۴ هـ ش)؛ هوسپ قراخانیان

### نتیجه گیری

در این مقاله عوامل مؤثر در تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزش ارمنیان در ایران از بعد تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفت و کوشیده شد تا شخصیت‌های فعال در امر مدرسه سازی ارمنیان و همچنین انگیزه های گوناگون را در رابطه با ترغیب مسئولین مملکتی به حمایت و یا جلوگیری از تأسیس مدارس مورد بررسی قرار بگیرند. در این راستا کلیه وقایع تاریخی مرتبط با تأسیس و اداره مدارس ارمنیان در ایران از منابع موثق گرد آوری و تجزیه و تحلیل شدند نتایج حاصل از این مقاله می تواند مورد استفاده مسئولین و دست اندرکاران تأسیس مراکز آموزشی کشور قرار بگیرد.

## پی نوشت

- ۱) المار ، نگاهی به زندگی ارمنیان تهران در گذشته نزدیک کتاب سال رافی، ج ۲، تهران، ۱۹۷۰ ، ص ۲۵۶ و ۲۵۷
- ۲) میناسیان، لئون ، تاریخچه مدارس ملی ارامنه جلفای اصفهان، ۱۹۶۵ ص ۳۰.
- ۳) آلمار هوسپیان، «نگاهی به زندگی ارمنیان تهران در گذشته نزدیک» سالنامه رافی، جلد دوم، ۱۷۰، ص ۲۲۴
- ۴) همان جا
- ۵) روزنامه آلیک، شماره ۱۱۵، تهران، ۲۸ می ۱۹۷۷
- ۶) نواریر ماسیان، تاریخچه مختصر انجمن خیریه زنان ارمنی، انجمن خیریه زنان ارمنی تهران، تهران، ۱۳۵۵ ، ص ۳
- ۷) همان جا
- ۸) شاهبازیان، تاریخچه مختصر مدرسه مختلط هایگازیان ، ص ۱۸
- ۹) مکاتبات مدرسه سن لوئی به وزارت معارف، موجود در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۱۰) لئون میناسیان، تاریخچه مدارس ملی ارامنه جلفای اصفهان، از ۱۸۸۰ تا ۱۹۸۵ ، ناشر : مؤلف

## منابع و مآخذ

انگلیسی

۱. Margossian Anita , 2006 , social studies , world History , Armenia.
۲. Keller . john , History channel Report , 2005.
۳. Margossian Anita , 2006 , Ottoman- safavid Rivalry and population of Armenia social studies world history Armenia
۴. Brittanica encyclopedia , last revision , 2006.
۵. Elmar , Armenian society in last Tehran , sal book publishing , 1970.

فارسی

۶. سند شماره ۱۰۱، وزارت معارف و اوقاف و صنایع متفرقه، نامه شماره ۵۴۹، خطاب به ریاست اداره تعلیمات ولایات، ۱۳۱۵/۶/۲۸، گنجینه اسناد ایران
۷. سند شماره ۱۰۲، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نامه شماره ۱۰۵۹۰، خطاب به ریاست اداره تعلیمات ولایات، ۱۳۱۵/۱/۱۹، گنجینه اسناد ایران
۸. سند شماره ۱۰۳، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نامه شماره ۷۴۹۰، خطاب به اداره معارف و اصناف کردستان، ۱۳۱۵/۲/۸، گنجینه اسناد ایران
۹. سند شماره ۱۰۴، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نامه شماره ۸۹۰، خطاب به وزارت معارف و اوقاف، ۱۳۱۵/۱/۲۹، گنجینه اسناد ایران
۱۰. سند شماره ۱۰۵، خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان، نامه شماره ۳۶۹۲۷، خطاب به آقای سهیلی نخست وزیر، ۱۳۲۰/۱۲/۲۰، گنجینه اسناد ایران
۱۱. سند شماره ۱۰۶، خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان، نامه شماره ۲۷۹۹۳، خطاب به آقای نخست وزیر، ۱۳۲۱/۹/۲۹، گنجینه اسناد ایران
۱۲. سند شماره ۱۰۷، از طرف رئیس دفتر شاهنشاهی، نامه شماره ۱۹۳۹، خطاب به آقای نخست وزیر، ۱۳۲۰/۱۲/۲۰، گنجینه اسناد ایران

۱۳. سند شماره ۱۰۸، اداره آموزش شهرستانها شماره ۳۸۹۵۵/۲۸۷۷۹، خطاب به آقای نخست وزیر، ۱۳۲۱/۱۱/۱۴، گنجینه اسناد ایران

۱۴. سند شماره ۱۰۹، دفتر نخستوزیر، نامه شماره ۳۶۹۲۷، خطاب به وزارت فرهنگ، ۱۳۲۲/۱/۱۵، گنجینه اسناد ایران

۱۵. سند شماره ۱۱۰، خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان، نامه شماره ۳۶۷، خطاب به آقای وزیر فرهنگ و اوقاف، ۱۳۲۱/۸/۱۸، گنجینه اسناد ایران

۱۶. سند شماره ۱۱۱، خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان، نامه شماره ۱۶۲۷۸/۲۴۱۲۳، خطاب به وزارت فرهنگ، ۱۳۲۱/۸/۲، گنجینه اسناد ایران

۱۷. سند شماره ۱۱۲، دفتر نخست وزیری، نامه شماره ۲۲۵۱۳، خطاب به آقای نرسس ملک تانکیان، ۱۳۲۱/۹/۱۵، گنجینه اسناد ایران

۱۸. سند شماره ۱۱۳، دربار شاهنشاهی، خطاب به نخست وزیر، ۱۳۲۴/۱/۲۱، گنجینه اسناد ایران

۱۹. سند شماره ۱۱۴، دفتر نخست وزیر، نامه ۴۵۷۹، ۱۳۲۴/۴/۲۰، گنجینه اسناد ایران

۲۰. سند شماره ۱۱۵، وزارت فرهنگ، نامه ۵۸۲۴، ۱۳۲۴/۳/۲۲، گنجینه اسناد ایران

۲۱. سند شماره ۱۱۶، دربار شاهنشاهی، رونوشت دکتر آقایان، ۱۳۲۴/۴/۱۲، گنجینه اسناد ایران

۲۲. سند شماره ۱۱۷، وزارت فرهنگ، خطاب به نخست وزیر، ۱۳۲۲/۸/۲۳، گنجینه اسناد ایران

۲۳. سند شماره ۱۱۸، دفتر نخست وزیر، خطاب به وزارت دربار شاهنشاهی، ۱۳۱۴/۲/۱۹، گنجینه اسناد ایران

۲۴. سند شماره ۱۱۹، دفتر نخست وزیری، نامه شماره ۱۶۸۶۲، ۱۳۲۲/۸/۲۹، گنجینه اسناد ایران

۲۵. سند شماره ۱۲۰، وزارت فرهنگ، خطاب به جناب آقای نخست وزیر، ۱۳۲۲/۸/۵، گنجینه اسناد ایران

۲۶. سند شماره ۱۲۱، وزارت فرهنگ، نامه شماره ۳۳۳۵۴/۳۸۴۰۵، خطاب به آقای نرسس خلیفه ارامنه، ۱۳۲۰/۱۰/۲، گنجینه اسناد ایران

۲۷. سند شماره ۱۲۲، هیئت انجمن معارف ارامنه تهران، نامه شماره ۱۸۲، خطاب به نخست وزیر، ۱۳۲۱/۸/۲، گنجینه اسناد ایران



۲۸. سند شماره ۱۲۳، دفتر نخست وزیری، نامه شماره ۹۱۰۶، ۱۳۲۰/۷/۲۹، گنجینه اسناد ایران
۲۹. سند شماره ۱۲۴، دفتر نخست وزیری، نامه شماره ۸۷۵۲، خطاب به وزارت فرهنگ، ۱۳۲۲/۸/۲۹، گنجینه اسناد ایران
۳۰. سند شماره ۱۲۵، هیئت نمایندگان نمازخانه های ارامنه تهران، خطاب به آقای ساعد نخست وزیر، ۱۳۲۳/۲/۲۵، گنجینه اسناد ایران
۳۱. سند شماره ۱۲۶، وزارت فرهنگ، نامه شماره ۲۱۸۴۲/۲۰۹۰۹، خطاب به نخست وزیر، ۱۳۲۲/۱۰/۱۹، گنجینه اسناد ایران
۳۲. سند شماره ۱۲۷، وزارت فرهنگ، نامه شماره ۸۱۶۶، خطاب به نخست وزیر، ۱۳۲۱/۴/۲۴، گنجینه اسناد ایران
۳۳. سند شماره ۱۲۸، خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان، نامه شماره ۴۰۲، خطاب به نخست وزیر، ۱۳۲۴/۶/۱۶، گنجینه اسناد ایران
۳۴. میناسیان، لئون، تاریخچه مدارس ملی ارامنه جلفای اصفهان، ۱۹۶۵
۳۵. آلمار هوسپیان، «نگاهی به زندگی ارمنیان تهران در گذشته نزدیک» سالنامه رافی، جلد دوم، ۱۷۰
۳۶. نواریر ماسیان، تاریخچه مختصر انجمن خیریه زنان ارمنی، انجمن خیریه زنان ارمنی تهران، تهران، ۱۳۵۵
۳۷. لئون میناسیان، تاریخچه مدارس ملی ارامنه جلفای اصفهان، از ۱۸۸۰ تا ۱۹۸۵، ناشر: مؤلف

